





دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره دکتری در رشته روابط بین الملل

عنوان:

تاثیر سیاست خارجی توسعه محور چین بر امنیت بین الملل

استاد راهنما: آقای دکتر حسین دهشیار

اساتید مشاور: آقای دکتر حسین سلیمی، آقای دکتر سید محمد

طباطبایی

نگارنده: محمد رضا رستمی

زمستان ۱۳۹۱

## فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲۰	فصل دوم: مباحث نظری
۲۱	گفتار اول: نظریه انتقال قدرت
۲۲	بند اول: مفاد نظریه انتقال قدرت
۲۵	بند دوم: تفسیر ترفیع چین از دریچه نظریه انتقال قدرت
۳۰	گفتار دوم: واقع گرائی تهاجمی و ترفیع چین
۳۰	بند اول: محورهای تاکیدی واقع گرائی تهاجمی
۳۴	بند دوم: تحلیل اهداف یک چین قدرتمند از دید واقع گرائی تهاجمی
۳۸	گفتار سوم: نظریه وابستگی متقابل
۳۸	بند اول: گزاره ها و مفاد نظریه وابستگی متقابل
۴۵	بند دوم: ظرفیت نظریه وابستگی متقابل در مورد چین
۵۳	نتیجه گیری فصل اول

## فصل سوم: سیاست خارجی توسعه محور چین

۵۷	مقدمه
۵۸	بخش اول: ماهیت و ویژگی های سیاست خارجی توسعه محور چین
۵۸	مقدمه
۵۹	گفتار اول: زمینه ها و انگیزه های اتخاذ سیاست خارجی توسعه محور
۵۹	بند اول: تضمین ثبات سیاسی و اجتماعی
۶۴	بند دوم: فراهم آوردن بستر توسعه اقتصادی به کمک غرب

۶۹	..... بند سوم: توجه به خواست ملی و احراز جایگاه رفیع بین المللی
۷۲	..... گفتار دوم: ویژگی های سیاست خارجی توسعه محور چین
۷۲	..... بند اول: رشد ملی گرائی مثبت و وابستگی متقابل از ۱۹۷۹ به این سو
۷۴	..... بند دوم: مسئولیت پذیری بین المللی و سیاست خارجی چین
۷۶	..... بند سوم: عدول از آموزه های ایدئولوژیک در تعامل با جهان خارج
۷۹	..... بند چهارم: میانه روی، قدرت نرم و سیاست خارجی چین
۸۳	..... نتیجه گیری
۸۵	..... بخش دوم: اصلاحات اقتصادی و تحول در بازیگری چین
۸۵	..... مقدمه
۸۶	..... گفتار اول: ملاحظات کلی در مورد برنامه های توسعه چین
۸۶	..... بند اول: محورهای اصلاحات اقتصادی چین پس از مائو
۹۶	..... بند دوم: تبیین های نظری رشد اقتصادی چین
۱۰۳	..... گفتار دوم: الحاق چین به اقتصاد جهانی و نتایج آن
۱۰۳	..... بند اول: روی آوردن به سرمایه خارجی در تحقق توسعه چین
۱۰۸	..... بند دوم: ترقی جایگاه چین در تجارت جهانی
۱۱۶	..... نتیجه گیری

### فصل چهارم: امنیت بین الملل، ترتیبات منطقه ای و کنشگری چین

۱۲۰	..... بخش اول: رویکردهای امنیتی چین در قبال منطقه و جهان
۱۲۰	..... مقدمه
۱۲۱	..... گفتار اول: محورهای توسعه نظامی و اصول راهبرد امنیتی پکن

- ۱۲۱ ..... بند اول: محورهای توسعه نظامی چین
- ۱۲۹ ..... بند دوم: راهبرد کلان چین
- ۱۳۵ ..... گفتار دوم: نگرش همگرایانه چین نسبت به ترتیبات و نظم بین المللی
- ۱۳۵ ..... بند اول: چین و نهادهای بین المللی
- ۱۳۹ ..... بند دوم: غلظت رویکرد حفظ نظم موجود در سیاست امنیتی پکن
- ۱۴۵ ..... نتیجه گیری
- ۱۴۷ ..... بخش دوم: جایگاه چین در ترتیبات ، تحولات و روندهای امنیتی در سطح جهانی
- ۱۴۷ ..... مقدمه
- ۱۴۸ ..... گفتار اول: چین و تحولات امنیت بین الملل
- ۱۴۸ ..... بند اول: ویژگی های مفهومی و مصداقی امنیت بین الملل و رفتار چین
- ۱۵۳ ..... بند دوم: درک چند لایه پکن از امنیت بین الملل
- ۱۶۴ ..... گفتار دوم: روابط چین و آمریکا و تاثیر آن بر امنیت بین الملل
- ۱۶۴ ..... بند اول: نگرش پکن در قبال منافع و نقش آفرینی امنیتی واشینگتن
- ۱۷۳ ..... بند دوم: تاثیر منافع و چالش های امنیتی آمریکا و چین بر امنیت بین الملل
- ۱۸۱ ..... نتیجه گیری
- ۱۸۴ ..... بخش سوم: روندهای حاکم بر امنیت منطقه ای در شرق آسیا و کنشگری چین
- ۱۸۴ ..... مقدمه
- ۱۸۵ ..... گفتار اول: مسائل و ملاحظات امنیتی در شرق آسیا و نگاه چین
- ۱۸۵ ..... بند اول: چالش های امنیتی منطقه و رویکرد چین به روابط با همسایگان
- ۱۹۲ ..... بند دوم: محوریت اقتصاد در ثبات و امنیت شرق آسیا

- ۲۰۱ ..... گفتار دوم: نهادها و ترتیبات چندجانبه در شرق آسیا و نقش امنیتی آنها
- ۲۰۱ ..... بند اول: منطقه گرائی و نهادها در شرق آسیا
- ۲۰۵ ..... بند دوم: سازمان همکاری اقتصادی آسیا-اقیانوس آرام(اپک)
- ۲۰۸ ..... بند سوم: سازمان همکاری شانگهای سازمان همکاری شانگهای
- ۲۱۱ ..... بند چهارم: چین و آسه آن
- ۲۱۴ ..... نتیجه گیری

### فصل پنجم: چین و نظم جهانی

- ۲۱۷ ..... بخش اول: نگرش و رفتار چین در قبال نظم موجود جهانی
- ۲۱۷ ..... مقدمه
- ۲۱۸ ..... گفتار اول: نظم موجود و نسبت آن با قدرت یابی چین
- ۲۱۸ ..... بند اول: قواعد و هنجارهای نظم موجود جهانی
- ۲۲۶ ..... بند دوم: نقش نظم موجود جهانی در ترفیع چین
- ۲۳۳ ..... گفتار دوم: تاثیر به ثمر نشستن توسعه لیبرال بر تعامل چین با حافظان نظم لیبرال
- ۲۳۳ ..... بند اول: نقش روابط دوجانبه پکن و واشینگتن در ثبات نظم جهانی
- ۲۴۱ ..... بند دوم: چین لیبرال و حفظ وضع موجود
- ۲۴۷ ..... نتیجه گیری
- ۲۴۹ ..... بخش دوم: نگاه به افق آتی تعامل چین با جهان خارج
- ۲۴۹ ..... مقدمه
- ۲۵۰ ..... گفتار اول: دوام الزامات داخلی سیاست خارجی تعامل گرا
- ۲۵۰ ..... بند اول: الزامات اقتصادی تداوم تعامل متعارف با جهان

۲۵۵	..... بند دوم: سناریوهای سیاسی برای آینده چین
۲۵۸	..... گفتار دوم: استمرار تعامل گرائی در منطقه و جهان
۲۵۸	..... بند اول: همکاری در عین رقابت در شرق آسیا
۲۶۲	..... بند دوم: هم اندیشی و هم سرنوشتی با غرب در سطح بین المللی
۲۶۶	..... نتیجه گیری
۲۶۹	..... نتیجه گیری پژوهش
۲۷۸	..... فهرست منابع

### فهرست جداول

۹۰	..... جدول ۱: متوسط رشد سالانه تولید ناخالص داخلی چین در سال های ۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲
۱۰۵	..... جدول ۲: جریان سرمایه گذاری خارجی به داخل چین و جریان سرمایه گذاری خارجی چین در خارج، ۲۰۰۶-۲۰۱۱
۱۰۵	..... جدول ۳: چین و جریان سرمایه گذاری مستقیم در سال ۲۰۱۰
۱۱۰	..... جدول ۴: تجارت کالای چین با جهان ۱۹۷۹-۲۰۱۱
۱۶۱	..... جدول ۵: سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین در ۲۷ کشور اتحادیه اروپا ۲۰۰۰-۲۰۱۱
۱۷۱	..... جدول ۶: تجارت آمریکا و چین در سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۹
۱۷۷	..... جدول ۷: مقایسه مزایای راهبردی چین و آمریکا
۱۸۱	..... جدول ۸: سفر دانشجویان چینی به آمریکا برای تحصیل در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱
۱۹۷	..... جدول ۹: واردات چین از کشورهای مختلف در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴
۱۹۸	..... جدول ۱۰: شرکای عمده تجاری چین در سال ۲۰۱۱
۲۴۵	..... جدول ۱۱: مقایسه تولید ناخالص داخلی و سرانه تولید ناخالص داخلی چین، ژاپن و ایالات متحده در سال ۲۰۱۱
۲۴۶	..... جدول ۱۲: تخمین تولید ناخالص داخلی اسمی ژاپن، چین و ایالات متحده، سال های ۲۰۱۵-۲۰۳۰

## فصل اول: کلیات تحقیق



## الف) طرح مسأله

رژیم سوسیالیستی چین از زمان به قدرت رسیدن در ۱۹۴۹ جهت گیری های متفاوتی را در تعامل با نظام بین الملل و قدرت های بزرگ، در پیش گرفت. این جهت گیری ها گرچه در ابتدا زیر تاثیر آموزه های ایدئولوژی سوسیالیستی، تجدید نظر طلبی مسلکی در نظام بین الملل را آماج خود می دانست، ولی با مرگ رهبر انقلاب در ۱۹۷۶ راهبرد توسعه، اصلاح اقتصادی و تعامل همگرایانه با بازیگران عمده نظم موجود بین المللی را در دستور کار قرار داد. این راهبرد از جانب نسل سوم و چهارم رهبران چین ادامه یافت و به عنوان پیش شرط تبدیل این کشور به یک قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی، نظرگاه کلان پکن در قبال ساختار موجود بین الملل و نوع تعامل این مهمترین حکومت پا برجای سوسیالیستی پس از جنگ سرد با قدرت های سرمایه داری را تعیین نمود. از مهمترین این مشخصات سیاست خارجی چین در دوران «اصلاح و گشایش»<sup>۱</sup> که از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، تعدیل ایدئولوژی انقلابی سوسیالیستی در سیاست خارجی و اتخاذ رویکرد تعامل به جای تقابل با نمایندگان نظم جهانی لیبرال است. این عطف نظر به توسعه داخلی و تعقیب رویکردی عمدتاً محافظه کارانه و غیر مقابله جویانه که از زمان دنگ شیائو پینگ و با سیاست «عدم جلب توجه»<sup>۲</sup> وی نضج گرفته بود؛ پس از جنگ سرد و نیز با آغاز هزاره جدید به شکل آگاهانه تری تداوم یافت (Deng, 2009:66). از جمله مهمترین تجلیات این رویکرد غیر تقابل جویانه، اتکای دولت چین به «قدرت نرم» در تکاپو برای ارتقای جایگاه بین المللی خود است. کم رنگ شدن اهمیت قدرت نظامی و استفاده از زور در پیگیری اهداف سیاست خارجی که از خصائص ظهور صلح آمیز و اتکا به قدرت نرم است؛ این مسأله را مطرح می کند که هدف مقامات پکن از اجتناب از رویه های ایدئولوژیک و تجدید نظر طلب در مواجهه با قدرت های بزرگ و نمایندگان نظم موجود لیبرال دموکراتیک چیست؟ آیا این رویکرد در بلند مدت ادامه می یابد و یا با فرض کارگر افتادن آن در قدرتمند نمودن چین بدون برانگیختن حساسیت دیگران، کنار گذاشته می شود و اهداف تجدید نظر طلبانه در قبال نظم بین الملل و روندهای حاکم بر امنیت بین الملل بار دیگر در سیاست خارجی چین احیا می گردند؟

این ابهام با لحاظ کردن بازتاب های سیاست توسعه چین در بین رقبا و شرکای منطقه ای و بین المللی تقویت هم می گردد. حتی راهبرد توسعه که بنا بر ملاحظاتی چون بالا بردن استاندارد زندگی جمعیت کثیر کشور، تعدیل نارضایتی

<sup>۱</sup>- Reform and Openness

<sup>۲</sup>- Lie Low

اجتماعی از نابرابری در عرصه های مختلف و حفظ مشروعیت رژیم پس از رنگ باختن ایدئولوژی کمونیستی به عنوان یک اصل سازمان دهنده قابل قبول در پیش گرفته شد؛ سبب برانگیختن نگرانی هایی در بین همسایگان و رقبا در مورد جایگاه رو به تحکیم چین و احتمال باز تعریف منافع این کشور متناسب با موقعیت قدرت جدید آن گردید و لذا رهبران پکن را به ایجاد تصویری مناسب از خود و دوری از تنش در روابط با قدرت های بزرگ سیاسی و اقتصادی حداقل تا زمانی که پروژه توسعه ثمرات خود را برای بلند مدت به بار آورد، سوق داد. طرح موسوم به «طرح تصویر»<sup>1</sup> که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در پیش گرفته شد به منظور خنثی کردن آنچه تهدید چین خوانده می شد به اجرا درآمد. این طرح همراه با پیروی فزاینده چین از ارزش ها و هنجارهای جهانی به ترمیم و ارتقای تصویر این کشور در صحنه بین المللی و افزایش مشروعیت بین المللی قدرت آن کمک کرده است (Yongjin, 2009:56). اجتناب از تاکید بر الگوی چینی از طرف مقامات پکن برای بهبود وجهه چین در خارج و بستر سازی توسعه بدون مزاحمت این کشور قابل درک است. پکن هر گونه تلاش برای صدور ایدئولوژی یا مدل توسعه خود را انکار می کند و تلاشی برای مطرح کردن آلترناتیوی در برابر مدل لیبرال توسعه در سایر کشورها به عمل نمی آورد. این محافظه کاری دستاورد های روشنی به همراه داشته است. نرخ رشد اقتصادی دو رقمی و تسخیر بازارهای کشورهای صنعتی غربی از روشن ترین این دستاوردها به شمار می رود.

تحول دیگری که به موازات تعقیب راهبرد توسعه در سیاست خارجی چین به چشم می خورد، مشارکت پکن در سازوکارهای امنیتی منطقه ای است. با وجود آنکه چین در گذشته تجارب نیک فرجامی با اتحادها و دیگر ائتلاف های امنیتی چه به عنوان عضو و چه به منزله هدف آنها نداشته است ولی این کشور در پاره ای از ساز و کارهای مرتبط با امنیت مانند سازمان همکاری شانگهای و نهاد منطقه ای آسه آن مشارکت جسته است. این سازوکارها گرچه خود محدودیت هایی دارند (از جمله می توان به رقابت روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای اشاره کرد) ولی بازتاب دهنده جهت گیری هایی در چین برای اعتماد سازی در سطح منطقه ای از یک سو و ائتلاف سازی هایی جهت مواجهه با آمریکا از دیگر سو است. مقامات و استراتژیست های چینی نگرانی هایی بابت اتحادها و ائتلاف های تحت رهبری آمریکا دارند، چرا که این اتحادها و سازوکارها می توانند یکجانبه گرایی و هژمونی این کشور را تقویت کنند، تنش های منطقه ای به وجود

<sup>1</sup>- Image Project

آوردند و علیه چین به عنوان بخشی از راهبرد محدود سازی یا مهمتر از آن در کشمکش بر سر تایوان جهت گیری کنند (Congressional Research Service, April 2008:5).

بنابر آنچه گفته شد، چین در مواجهه با برتری قدرت ایالات متحده به منزله مهمترین پاسبان نظم لیبرال دموکراتیک و عمده ترین ناظر روندهای امنیتی، راهبردی دو وجهی را دنبال می کند که شامل عناصری از موازنه سازی داخلی<sup>1</sup> و موازنه سازی نرم خارجی<sup>2</sup> است. راهبرد موازنه سازی داخلی دربرگیرنده رشد سریع اقتصادی و نوسازی نظامی است، در حالی که موازنه سازی نرم خارجی شامل پیوستن به و یا خلق نهادهای چندجانبه و در پیش گرفتن دیپلماسی قدرت های بزرگ است. موازنه سازی نرم خارجی با مشکلاتی از قبیل غیر قابل اتکا بودن متحدین (مانند روسیه) مواجه است؛ ولی احتمالاً موازنه سازی داخلی که اتفاقاً با متابعت از هنجارها و قواعد جهانی لیبرال تحقق می پذیرد؛ با عدم قطعیت های کمتری روبرو می گردد (Paul, 2004:3).

راهبرد چین برای دهه های آتی با توجه به همین نوسان بین همراهی با ارزش های لیبرال غربی از یک طرف و انگیزه های تجدید نظر طلبانه منبعت از ارتقای مولفه های قدرت پکن در پیامد به ثمر نشستن برنامه های توسعه از طرف دیگر ممکن است مسیرهای متفاوتی را طی کند و از این رهگذر نظم بین المللی و روندهای امنیتی جهانی را به طرق گوناگونی تحت تاثیر قرار دهد: از یک سو در میان مدت راهبرد همراهی یا هم قطاری با قدرت های رده اول را در دستور کار خود نگاه دارد و از دیگر سو در بلند مدت به پشتوانه نقش بین المللی رو به رشد و قدرت رو به تزاید خود، خواستار تجدید نظر در برخی اصول و ترتیبات مرتبط با نظم و امنیت بین الملل گردد. چنانچه مسکوت گذاشتن خواسته های تجدید نظر طلبانه از جانب پکن تنها تاکتیکی در جهت زمینه سازی افزایش بدون مزاحمت مولفه های قدرت چین باشد؛ در بلند مدت و با فرض به ثمر نشستن راهبرد های توسعه می توان انتظار داشت رهبران چین به پشتوانه موقعیت جدید قدرت کشور به شکلی رساتر مطالبات منفعت محور خود را با حافظان نظم موجود جهانی در میان گذارند. با این وجود با لحاظ نمودن این واقعیت که به ثمر نشستن دستاوردهای توسعه و افزایش قدرت چین از مسیر همگرایی با ارزش ها، قواعد و هنجارهایی صورت می گیرد که از جانب قدرت های لیبرال - دموکراتیک عمدتاً غربی پاسداری می شود؛ باید به این مسأله پرداخت که پکن چگونه می تواند خواستار تغییر در هنجارها و ساختارهای نظامی شود که بستری برای توسعه و

<sup>1</sup>-Internal Balancing

<sup>2</sup>- External Soft Balancing

قدرتمند شدن کشوری با ارزش های غیر لیبرال و غیر دموکراتیک شده است. آیا تجدید نظر طلبی تنها به صورت سهم خواهی بیشتر و احیاناً جستجوی سیادت مسالمت آمیز در وجه منطقه ای نمود می یابد و یا در عرصه بین المللی و با داعیه هایی در مورد شیوه اداره سیاسی و اقتصادی جوامع و تغییر قواعد مستقر جهانی همراه می گردد؟ و اگر این سیاست خارجی تعامل گرا نه به صورت تاکتیکی بلکه به منزله گزینشی راهبردی در بلند مدت اجرا گردد، آیا گردن نهادن پکن به ارزش ها و هنجارهای لیبرال به حیطة داخلی نیز تسری می یابد و یا قلمرو داخلی همچنان از حیث سنخ ایدئولوژی مدیریت کننده از ساحت خارجی جدا نگه داشته می شود و در هر یک از این حالات رقابت چین با قدرت های نظام بین الملل و مسائل سیاسی و امنیتی آن با همسایگان چگونه خواهد بود؟

### ب) نوآوری رساله

نگاه پژوهش حاضر این خواهد بود که بر خلاف آنچه واقع گرایان تهاجمی به ویژه جان میرشایمر ادعا می کنند، افزایش قدرت چین به تهدیدی برای امنیت و نظم بین الملل بدل نخواهد شد؛ چرا که توسعه و قدرت یابی چین به یمن پذیرش قواعد و هنجارهای لیبرال مورد نظر هژمون و به هزینه وداع با آموزه های مائویستی و مارکسیستی محقق می گردد. سیاست خارجی توسعه محور چین به دنبال تجارب ناموفق سی ساله این کشور در اداره جامعه و نقش آفرینی موثر در سطح بین المللی، اتخاذ شد. توسعه گام به گام چین نیز با کم رنگ شدن متداوم ارزش ها و آموزه های سوسیالیستی در زندگی سیاسی و به ویژه اقتصادی کشور مزبور قرین بوده است. این نکته که بقای حزب و پیشرفت شگرف اقتصادی پکن نه با اصطکاک با اصول لیبرالیستی مورد نظر غرب، بلکه با اخذ و پیروی از این اصول محقق شده است به آن معناست که چین خود را همراه با لیبرال دموکراسی خواهد دید و انگیزه و حتی وجاهت و حقانیت طرح قواعد و هنجارهای جایگزین در برابر آنچه روزی امپریالیسم کاپیتالیستی خوانده می شد را از دست خواهد داد. افزون بر آن می توان ادعا کرد که توسعه چین و افزایش قدرت ملی آن در پرتو پیوند پایاتر با غرب، به افزایش اعتماد دو طرف، تثبیت قواعد حاکم بر نظم بین الملل و مواجهه مشترک با مسائل مرتبط با امنیت بین الملل مدد رسانده است.

تحقیق حاضر با این نگرش، گریزی هم به جایگاه کشورهای جهان سوم در روابط چین با قدرت های بزرگ می زند و امنیت منطقه ای و بین المللی را از این منظر هم واکاوی می کند و قابلیت اتکا به چین از طرف کشورهای که تنش هائی سیاسی و امنیتی با غرب دارند را به نقد می کشد .

ج) سوابق مربوط ( بیان مختصر سابقه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع و نتایج حاصل در داخل و خارج و نظریات علمی موجود در رابطه با مسئله)

گرچه در بررسی سوابق پژوهش نمی توان کتاب یا مقاله ای را یافت که دقیقاً به موضوع پژوهش حاضر پرداخته باشد ولی می توان پاره ای از آثار را که در ارتباط با مسائل مورد مطالعه در این تحقیق به نگارش درآمده اند برشمرد. طبعاً بخش اعظم این آثار به انگلیسی به رشته تحریر درآمده اند. در زیر به گزیده ای از آنها اشاره می شود:

۱. کتاب «قدرت نرم، راهبرد در حال پیدایش چین در سیاست جهانی»<sup>۱</sup> که به کوشش مینگ جیانگ لی<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۹ و توسط انتشارات لکسینگتون بوکس<sup>۳</sup> در نیویورک منتشر شده است؛ در مجموعه مقالاتی به مفهوم قدرت نرم و جایگاه آن در سیاست خارجی کلان چین عطف نظر دارد. از جمله چن جیانگن<sup>۴</sup> در مقاله «تمرین میانه روی: پردازش قدرت نرم چین»<sup>۵</sup> به این موضوع می پردازد که مفهوم میانه روی در سیاست خارجی چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ راهنمای عمل قرار گرفت. نویسندگان با استناد به شناسایی این مفهوم در فرهنگ کنفوسیوس استدلال می کند که فرهنگ چینی اقتضای اجتناب از افراط و تفریط دارد و حتی دوران مائو زدونگ استثنایی گذرا در این تاریخ کهن به شمار می رود و لذا می توان در آینده نیز انتظار تداوم میانه روی در سیاست خارجی پکن را داشت.

۲. کتاب «ستاره در حال ترفیع، دیپلماسی امنیتی جدید چین»<sup>۶</sup> که به قلم بیتس گیل<sup>۷</sup> به طبع رسیده در سال ۲۰۰۷ در واشینگتن و به وسیله انتشارات موسسه بروکینگز<sup>۸</sup> نشر یافته است. نویسندگان در این کتاب روندهای مشهود در دیپلماسی چین را مورد بحث قرار می دهد و از جمله بیان می کند که اجتناب از تقابل آشکار با ایالات متحده در عین تلاش در جهت مقابله با نفوذ زیاده از حد این کشور در پیرامون چین و نیز تضمین دادن به همسایگان در مورد صلح آمیز بودن و متقابلاً سودمند بودن نیات چین هدفی است که دیپلماسی امنیتی جدید پکن نیز دنبال می کند. این رویکرد دفاعی همگرایانه را می توان در سه ساحت با اهمیت که امنیت جهانی و منطقه ای را شکل می دهد مشاهده کرد: نقش در حال

1 - *Soft Power, China's Emerging Strategy in International Politics*

2 - Mingjiang. Li

3 - Lexington Books

4 - Chen. Jianfeng

5 - "the practice of the Mean: China's Soft Power cultivation"

6 - *Rising Star, China's New Security Diplomacy*

7 - Bates. Gill

8 - Brookings Institution

تغییر اتحادها و تکامل سازوکارهای امنیت منطقه ای و اقدامات اعتماد ساز، عدم گسترش سلاح های کشتار جمعی و کنترل تسلیحات و سرانجام جهت گیری های منعطف تر در قبال حاکمیت، مداخله و کاربرد زور.

۳. جفری دبلیو لگرو<sup>۱</sup> در مقاله «چین چه خواهد خواست؟ نیت آتی یک قدرت در حال ترفیع»<sup>۲</sup> که در مجله پرسپکتیو آن پولیتیکس<sup>۳</sup> در سپتامبر ۲۰۰۷ به چاپ رسیده به سناریوهایی که در آنها امکان دارد ایده همگرایی از جانب گروه هایی که دیدگاه های متفاوتی در مورد نظم جهانی و سنخ مناسبات با نمایندگان این نظم دارند کنار گذاشته شود؛ پرداخته است. نگارنده بیان می کند که به لحاظ نظری می توان سه گروه مخالف همگرایی را مشخص کرد که در صورت شکست ایده همگرایی جایگزین آن شوند: اولین گروه آنهایی را شامل می شود که ژیانگ زمین یک سال پس از حادثه تیان آن من، تهدید «راست» برای نگاه اصلاح و گشایش خواند. خطر «راست» از دید حکومت کسانی را در بر می گیرد که خواهان تسریع پیگیری سیاست آزاد سازی اقتصادی و سیاسی به زیان حزب و ثبات اجتماعی هستند. افشاری مانند تجار خصوصی، مدیران عامل شرکت های تحت مالکیت دولت، هنرمندان، روشنفکران، مناطق شهری ساحلی و مقامات آن مناطق و حتی اجزایی از دیوان سالاری را می توان در این جرگه دانست. گروه دوم به بیان ژیانگ زمین چپ گرا ها هستند که از اصلاح و تعامل بین المللی انتقاد می کنند و آن را موجب بی عدالتی و نابرابری می دانند. کشاورزان، روستائیان، شهرهای درونی و بخش هایی از ارتش و حزب کمونیست که در توسعه چین سهیم نبوده اند از این گروه محسوب می گردند. گروه سوم را می توان کسانی دانست که گرچه منتقد جهانی شدن و ارزش های غربی اند؛ ولی لزوماً انزواگرا یا ضد سرمایه داری به شمار نمی روند. این افراد ممکن است از یک سیاست واقع گرایانه ملی گرا، راهبردی تقابل جویانه با غرب، ثبات و اقتدار مرکزی در داخل و جهت گیری همگرایانه در آسیا جانبداری کنند.

۴ روزماری فوت<sup>۴</sup> در کتاب «تمرین قدرت: روابط آمریکا با چین از ۱۹۴۹»<sup>۵</sup> که در سال ۱۹۹۵ در آکسفورد و از طرف انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر گردیده، این دیدگاه را مطرح می سازد که اتخاذ راهبرد توسعه و تعامل با سایر کشورها و نهادهای بین المللی، ماهیت تجدید نظر طلب راهبرد کلان جمهوری خلق چین را دگرگون و آن را به راهبردی همسو

<sup>1</sup> - Jeffrey W. Legro

<sup>2</sup> - "what China will want: the future intentions of a Rising Power"

<sup>3</sup> - *Perspective on Politics*

<sup>4</sup> - Rosemary Foot

<sup>5</sup> - *the Practice of Power: U.S Relations with China Since 1949*

با گردانندگان نظم جهانی و طالب حفظ وضع موجود بدل ساخت. پیش از آن در سه دهه اول جنگ سرد، چارچوب مفهومی رهبران چین برای تحلیل امور بین المللی متمرکز بر ظهور و افول قدرت های هژمونیک و استفاده این قدرت ها از منابع خود برای استیلا بر جهان و محدود کردن اقدام دیگران بود. این چارچوب چینی ها را ترغیب کرد که دغدغه های امنیتی خود را ناشی از راهبرد جهانی دولت هژمونیک هر زمان ببینند؛ یعنی ایالات متحده در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و اتحاد شوروی از اواخر دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰. جنبه حائز اهمیت مفهوم چینی از هژمونی آن است که این مفهوم شامل تمایل هژمون در استفاده از منابع خود جهت کنترل دیگران می شود. این برداشت در جریان دوره موسوم به «قرن تحقیر»<sup>۱</sup> یعنی سال های ۱۸۴۲ تا ۱۹۴۹ تقویت شد. در طی این دوره قدرت های خارجی در امور داخلی چین مداخله داشتند و از جمله نظام معاهدات نابرابری را جایگزین ترتیبات خراجگزاری پیشین کردند. از نظر نگارنده، این مفهوم اندیشه چین پس از ۱۹۴۹ را نیز شکل داد. دوره ای که ایالات متحده به خاطر جلوگیری از اتحاد سرزمینی چین با تایوان، ایجاد اتحادهای نظامی تهدید کننده با برخی از همسایگان چین، اخلال در برقراری روابط دیپلماتیک پکن با شماری از دولت ها، تحمیل تحریم های تجاری بر ضد چین و سازماندهی ائتلافی به منظور مخالفت با عضویت پکن در سازمان ملل تا سال ۱۹۷۱ مورد شماتت دولتمردان انقلابی چین بود.

۵. تی. وی پل<sup>۲</sup> در مقاله «بدیهیات متداوم نظریه موازنه قدرت و ربط معاصر آنها»<sup>۳</sup> در کتاب «موازنه قدرت: نظریه و عمل در قرن بیست و یک»<sup>۴</sup> که به کوشش تی. وی پل، جیمز جی. ورتز<sup>۵</sup> و مایکل فورتمن<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۴ توسط انتشارات دانشگاه استنفورد در استنفورد نشر یافته است، استدلال می کند که بررسی روندهای جدید سیاست خارجی و دیپلماسی امنیتی چین می تواند در تبیین تکاپوی پکن در موازنه سازی در برابر قدرت برتر نظم موجود جهانی و رویکرد تغییر یا تداوم این نظم روشنگر باشد. در ادبیات روابط بین الملل معمولاً بین موازنه سازی سخت و موازنه سازی نرم تفاوت قائل می شوند. موازنه سازی سخت با تعقیب قدرت نظامی و ایجاد و تحکیم اتحادهای رسمی اعمال می گردد؛ در صورتی که موازنه سازی نرم در شرایطی شکل می گیرد که دولت ها عموماً روابط حسنه و تفاهم نامه های امنیتی محدود با یکدیگر

<sup>1</sup>-Humiliation Century

<sup>2</sup> - T.V.Paul

<sup>3</sup> -"the enduring axioms of balance of power theory and their contemporary relevance"

<sup>4</sup> - *Balance of Power: Theory and Practice in the 21st Century*

<sup>5</sup> - James J.Wirtz

<sup>6</sup> - Michel Fortmann

ایجاد می کنند تا در مقابل دولتی خطر ساز یا قدرتی رو به رشد موازنه سازی کنند. موازنه سازی نرم به طور عمده مبتنی بر آمادگی نظامی محدود، همکاری موردی و تشریک مساعی در نهادهای منطقه ای و بین المللی است و اگر رقابت امنیتی شدید شود و دولت های قدرتمند تهدید کننده تلقی شوند؛ می تواند تبدیل به راهبردهای موازنه سازی سخت گردد.

۶- کتاب « ابزار حداقلی انتقام: جستجوی امنیت چین در عصر هسته ای»<sup>۱</sup> اثر جفری جی. لوئیس<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۷ و توسط انتشارات ام آی تی در ماساچوست انتشار یافته است. این کتاب از جمله تلاش دارد بررسی نظام مندی در مورد رفتار دیپلماتیک و گزاره های سیاست خارجی چین صورت دهد و به احتمال وجود معیارهای استراتژیک جایگزین برای نیروهای هسته ای چین بپردازد. نویسنده از جمله با نقد تخمین های قبلی در قبال زرادخانه هسته ای چین که بر اطلاعات و گمانه زنی های دهه ۱۹۸۰ مبتنی بود، بیان می دارد که به باور وی زرادخانه هسته ای چین تنها هشتمین کلاهک آماده عملیاتی دارد که برای موشک های بالستیک ذخیره شده اند. لذا توان هسته ای چین بسیار محدودتر، کم تنوعتر و ناآماده تر جهت هدایت عملیات به نسبت آنچه تحلیل های قبلی تخمین می زدند، می باشد.

۷- کتاب «ترفیع چین و امنیت بین الملل: واکنش آمریکا و آسیا»<sup>۳</sup> به ویراستاری یوچیرو ساتو<sup>۴</sup> و کوین جی. کونیا<sup>۵</sup> و در سال ۲۰۰۹ در نیویورک به وسیله انتشارات راتلج منتشر شده است این کتاب با اشاره به اجرای برنامه های توسعه در چین از اواخر دهه ۷۰ میلادی، کتاب هایی را که به مسأله ظهور چین می پردازند به دو گروه تقسیم می کند: گروه اول که موضوع یاد شده را در قالب روابط دوجانبه چین با همسایگان و ایالات متحده مطالعه می کنند. این دسته از کتاب ها به این امر عطف نظر دارند که آیا ظهور چین صلح آمیز و همکاری جویانه است یا تجاوزگرا و چالش گر برای نظم موجود بین المللی. در این آثار معمولاً اندیشه ورزی سنتی ژئوپولیتیک غلبه دارد. در گروه دوم امر توسعه و ظهور چین از منظر پیامدهای داخلی آن مطمح نظر قرار می گیرد. مباحث این دسته از آثار حول محور ثبات سیاسی و اجتماعی چین در پرتو تحقق برنامه های توسعه و چشم انداز دموکراسی سازی در این کشور می چرخد. کتاب فوق در کنار این دو گروه، گروه ثالثی از فعالیت های پژوهشی را معرفی می کند و خود را در زمره آنها بر می شمارد. این مجموعه از آثار رشد و ترقی

<sup>1</sup> - *The Minimum Means of Reprisal China's Search for Security in the Nuclear Age*

<sup>2</sup> - Jeffrey G. Lewis

<sup>3</sup> - *The Rise of China and International Security: America and Asia Respond*

<sup>4</sup> - Yoichiro Sato

<sup>5</sup> - Kevin J. Cooneya



چین را از منظر مدلولات آن برای امنیت فراملی کنکاش می کنند. رقابت هژمونیک آمریکا و چین در شرق آسیا، چشم انداز امنیت آسیا- پاسیفیک در سایه این رقابت، واکنش تایوان به ظهور چین، همزیستی توام با هراس ژاپن و چین در قرن بیست و یکم و نگاه هند به قدرت یابی چین از جمله موضوعات مطروحه در این کتاب اند.

۸- اوری گلدشتین<sup>۱</sup> در کتاب «ترفع به چالش: راهبرد کلان چین و امنیت بین الملل»<sup>۲</sup> که در سال ۲۰۰۵ توسط انتشارات دانشگاه استنفورد در این شهر نشر یافته است، به راهبرد کلان چین در آغاز هزاره سوم و جهت گیری های عمده آن بذل نظر دارد. راهبرد کلان چین در پی تبدیل چین به یک قدرت بزرگ در دنیائی است که برتری در آن با ایالات متحده است. در کانون این راهبرد دو عنصر اصلی وجود دارد. یکی دیپلماسی که به دنبال ایجاد انواع مشارکت ها با قدرت های عمده جهانی است و هدف آن بدل ساختن چین به بازیگری غیر قابل اجتناب یا حداقل بسیار جذاب در حوزه های از منافع است که بازیگران کلیدی نظام بین الملل نمی توانند و نمی خواهند آن حوزه ها را از دست بدهند. عنصر دیگر این راهبرد تدوین دستور کاری برای شناساندن چین به منزله بازیگر و عضوی مسئول در جامعه بین الملل و خنثی کردن نگرانی های مرتبط با احتمال به کارگیری ظرفیت های قدرت آن در جهت تغییر قواعد نظم موجود است که می تواند پتانسیل متحد شدن دیگر قدرت ها علیه چین را کاهش دهد.

۹- پیتر سی. وای. چو<sup>۳</sup> ویراستار کتاب معمای «یک چین»<sup>۴</sup> است که توسط انتشارات پالگریو مکمیلان<sup>۵</sup> در سال ۲۰۰۸ در نیویورک منتشر شده است. در مجموعه مقالات این کتاب، به مسأله حادی که چین با آن مواجه است و پیامدهای سیاسی و امنیتی این مسأله یعنی چین واحد و استقلال خواهی تایوان و نقش ایالات متحده در تحولات مربوط به الحاق یا جدایی تایوان از چین می پردازد. این کتاب در نتیجه گیری مباحث خود عنوان می کند که گرچه ترقی سریع چین، نگرانی هایی را در بین شهروندان و مقامات تایوان به وجود آورده است؛ ولی مشکلات اساسی چین در زمینه موضوعاتی چون محیط زیست، انرژی، کشاورزی و بانکداری، از توانایی این کشور در عطف توجه به تایوان و الحاق آن به خود می کاهد. با این حال چشم انداز تبدیل چین به قدرت منطقه ای مسلط، ضرورت اتخاذ راهبردی هوشمندانه و جامع از طرف

<sup>1</sup> - Avery Goldstein

<sup>2</sup> - *Rising to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security*

<sup>3</sup> - Peter C. Y. Chow

<sup>4</sup> - *The "One China" Dilemma*

<sup>5</sup> - Palgrave Macmillan

تایوان جهت مقابله با چالش های آتی را مطرح می سازد. کتاب با این تحلیل پایان می یابد که ارتش تایوان با مدرن سازی و تحولات کنونی و تمرکزی که بر پیشگیری و پایداری دارد می تواند به منزله حافظ ارزش های دموکراتیک تایوان و حتی دیگر کشورهای منطقه باشد.

۱۰. «چین: مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی»<sup>۱</sup> عنوان کتابی است که به ویراستاری لوگان جی. مور<sup>۲</sup> و جک ام فیلیپس<sup>۳</sup> و در سال ۲۰۰۹ در نیویورک و توسط انتشارات نوا ساینس<sup>۴</sup> نشر یافته است. این کتاب به جایگاه سازمان همکاری اقتصادی آسیا- پاسیفیک اپک در اقتصاد سیاسی بین المللی و اهمیت این سازمان که به عنوان مهمترین نهاد آزاد سازی اقتصادی و تسهیل تجارت و سرمایه گذاری در آسیا - پاسیفیک شناخته می شود؛ برای چین بذل نظر می کند. یکی از چالش های نقش مهم اپک اما توافق چین با آسه آن در سال ۲۰۰۴ است که با هدف ایجاد بزرگ ترین منطقه آزاد تجاری جهان صورت گرفت. این امر تا حدود زیادی سرنوشت اپک را به سرنوشت چین پیوند می زند. این کتاب همچنین تحول اپک از سازمانی اقتصادی به سازمانی که به وضوح به موضوعات سیاسی می پردازد را مورد بحث قرار می دهد و با توجه به شرایطی که در دو دهه گذشته در منطقه و جهان وجود داشته است؛ از قبیل پایان جنگ سرد، بحران مالی آسیای جنوب شرقی در دهه ۹۰ و تهدید تروریسم پس از ۱۱ سپتامبر، ضرورت های بقای اپک در هزاره سوم و تأثیر آن در روابط اقتصادی و سیاسی اعضای آن به ویژه چین را مورد کنکاش قرار می دهد.

۱۱- کتاب «چین و نهادهای بین المللی: مسیرهای متناوب به سوی قدرت جهانی»<sup>۵</sup> به قلم مارک لنتین<sup>۶</sup> در سال ۲۰۰۵ به طبع رسیده و از سوی انتشارات راتلج در لندن و نیویورک انتشار یافته است. کتاب مزبور با بیان اینکه سیاست خارجی جمهوری خلق چین پس از پایان جنگ سرد تحول روشنی یافته و از بی رغبتی سابق در پیوستن به سازمان های بین المللی به تلاش برای عضویت در آنها و گسترش دادن نهادهای بین المللی گذار نموده است؛ دو عامل را مانع اتخاذ مسیر سنتی توسعه سرزمینی و استیلای سیاسی و اقتصادی به منظور نیل به جایگاه قدرت بزرگ می داند: یکی وجود ایالات متحده و قدرت ذاتی اقتصادی و نظامی آن و دیگری تسلیحات هسته ای که هر گونه کشمکش قدرت های بزرگ به طرز

<sup>1</sup> -China: Economic, Political and Social Issues

<sup>2</sup> -Logan J. Moore

<sup>3</sup> - JACK M. Phillips

<sup>4</sup> - Nova Science Publishers

<sup>5</sup> - China and International Institutions: Alternate Paths to Global Power

<sup>6</sup> - Marc Lanteigne

غیر قابل پذیرشی پر هزینه می سازد. این کتاب در صدد است بر خلاف دیگر رویکردها به ظهور چین که بر داشته ها و قدرت مادی تاکید می کنند، به این مسأله با رویکرد جدیدی که در پیوند با سیاست تطبیقی و روابط بین المللی قدرت های بزرگ است، توجه کند.

#### د- سوال ها و فرضیه های تحقیق:

##### الف- سوال اصلی

آیا سیاست خارجی توسعه محور چین در بلند مدت، قواعد و هنجارهای حاکم بر امنیت بین الملل و نظم موجود جهانی را به چالش می کشد و به تغییر این قواعد و هنجارها می انجامد؟

##### ب- سوالات فرعی

- ۱- چین در دوران اصلاحات چه جایگاهی در نظام بین الملل داشته است؟
- ۲- اهداف چین از اتخاذ رویکردهای تعامل گرا با غرب در سیاست خارجی سه دهه اخیر خود چه بوده است؟
- ۳- دستاوردهای سیاست خارجی توسعه محور برای چین در چه سطوحی قابل دسته بندی است؟
- ۴- کدام عناصر، استلزامات بنیادین اجرای موفق سیاست خارجی توسعه محور چین به شمار می روند؟
- ۵- سیاست خارجی چین به منظور پیشبرد راهبرد توسعه اقتصادی چه جهت گیری هایی را در عرصه های سیاسی و امنیتی در قبال همسایگان و قدرت های بین المللی در دستور کار داشته است؟
- ۶- امنیت بین الملل در چه لایه هایی تحت تاثیر مطالبات یک قدرت بزرگ مانند چین قرار می گیرد؟
- ۷- چالش های فرا روی نظم جهانی مستقر لیبرال دموکراتیک کدامند؟ و کدام بدیل ها می توانند جایگزین آن شوند؟
- ۸- چه سناریوهایی برای تبدیل چین به بازیگری تجدید نظر طلب در حیطه بین المللی متصور است؟
- ۹- قدرت های پاسدار نظم موجود بین المللی و بازیگران ناظر بر معادلات امنیت منطقه ای و بین المللی چه گزینه هائی را جهت ممانعت از سوق یافتن چین به تجدید نظر طلبی در پیش رو دارند؟

##### الف- فرضیه اصلی

سیاست خارجی توسعه محور چین با زمینه سازی افزایش توانمندی ها و جایگاه بین المللی این کشور، منجر به افزایش نفوذ منطقه ای و جهانی پکن می شود؛ ولی نه تنها به تغییر در قواعد و هنجارهای حاکم بر امنیت بین الملل و نظم جهانی منجر نمی گردد، بلکه به تثبیت این قواعد و هنجارها مدد می رساند.

## ب- فرضیه های فرعی

۱. چین در دوران اصلاحات بازیگری همراه و هماهنگ با قدرت های برتر نظام بین الملل بوده است.
۲. چین به منظور افزایش دادن استانداردهای اقتصادی زندگی بهبود مولفه های قدرت خود و از رهگذر آن تضمین حاکمیت حزب کمونیست، به رویکردهای تعامل گرا با غرب روی آورده است.
۳. دستاوردهای سیاست خارجی توسعه محور چین شامل تداوم حاکمیت سوسیالیستی تا کنون و ارتقای جایگاه بین المللی این کشور می گردد.
۴. عدول از ایدئولوژی ستیزه جو و عدم درگیری در مسائل فرامنطقه ای با ایالات متحده از جمله الزامات کامیابی سیاست خارجی توسعه محور چین محسوب می شوند.
۵. پرهیز از ارائه الگو در برابر قدرت های سرمایه داری، تلاش برای تقویت اعتماد متقابل و اجتناب از برانگیختن حساسیت رقبا و شرکا جهت گیری های عمده چین در پیگیری سیاست خارجی توسعه محور است.
۶. قدرتی مانند چین که همچنان مطالبات و مسائلی در سطح منطقه ای دارد، در این سطح می تواند سهم خواهی کند و در این مرحله پتانسیل تحت تاثیر قرار دادن موضوعات امنیتی جهانی را ندارد.
۷. چالش های فراروی لیبرال دموکراسی در دوران پس از جنگ سرد تغییر ماهیت داده و این چالش ها در مواردی می تواند رقبای ایدئولوژیک سابق را به مولفین جدید بدل سازد.
۸. دو سناریوی عمده تجدید نظر طلب شدن چین عبارتند از: کامیابی طرح های توسعه و در پرتو آن افزایش قدرت چین و بر عکس شکست تعامل با غرب و به قدرت رسیدن عناصر رادیکال مخالف غرب در چین.
۹. پاسداران نظم موجود با کمک به ادغام چین در نهادها و ترتیبات لیبرال می توانند این کشور را دارای منافی در نظم جهانی کنند و از ستیز این کشور با قواعد و ارزش های لیبرال ممانعت به عمل آورند.

ه) مفاهیم پژوهش